

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه به همراه

مناجات خمسہ عشر

و

رساله‌ی حقوق امام سجاد

با ترجمه‌ی

حکیم الهی قمشه‌ای

شناسنامه
عنوان و نام پدید آور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

علی بن حسین (ع) ، امام چهارم ، ۲۸ - ۹۴ ق.
(صحیفه سجادیه ، فارسی ، عربی)
صحیفه کامله ی سجادیه / به همراه مناجات خمسہ عشر و رساله
حقوق امام سجاد (علی بن حسین (ع)) : با ترجمه ی الهی قمشہ ای .
تہران ، مبین اندیشہ ، ۱۳۹۰
ص ۴۰۰
۷۰۰۰۰ ریال ۷ - ۸۹ - ۵۹۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ISBN
فیبا
فارسی - عربی
۱ - دعای خمس عشر ، ۲ - دعاها ، ۳ - احادیث اخلاقی - ۴ - اخلاقی
اجتماعی - احادیث
BP ۲۶۷ / ۱ / ۸ ص ۳۰۴۱ ۱۳۹۰ :
۲۹۷ / ۷۷۲ :
۲۳۱۹۷۶۹ : ملی

وب سایت: www.mobineandishe.com



مراکز پخش: تهران: خیابان قزوین - خیابان سبحانی - خیابان شهید برادران فلاح - پلاک ۲۹

ص. پ ۵۹۱ - ۱۳۳۴۵ انتشارات مبین اندیشہ - همراه: ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵

نام کتاب: صحیفه کامله سجادیه (به همراه مناجات خمسہ عشر و رساله ی حقوق امام سجاد)
تألیف: امام زین العابدین علیہ السلام
ترجمہ: مهدی الهی قمشہ ای
ناشر: مبین اندیشہ
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
چاپخانه: فردوس
قیمت: ۷۰۰۰ تومان
ناشر همکار: آوای منجی
شابک: ISBN ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۹۱۳ - ۸۹ - ۷

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مراکز پخش:

قم: خیابان معلم - ۱۰ متری معلم - کوچه ۵ (شهید فلسفی) پلاک ۴
همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵ تلفن: ۷۷۴۸۳۷۰ - ۰۲۵۱

انتشارات مبین اندیشہ - آوای منجی

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۸	سند شریف صحیفه‌ی سجادیه
۱۷	دعای یکم. سپس خدای متعال و ستایش او
۲۵	دعای دوم. سپاسگزاری خداوند و درود بر رسول او
۲۹	دعای سوم. درود بر حاملان عرش و هر فرشته‌ی مقرب
۳۵	دعای چهارم. درود بر پیروان انبیا
۴۰	دعای پنجم. دعا برای خود و بستگان
۴۴	دعای ششم. دعا هنگام صبح و شام
۵۱	دعای هفتم. دعا هنگام رخ دادن حادثه‌ی غم انگیز
۵۴	دعای هشتم. دعا در پناه بردن به خدا از خوی بد
۵۷	دعای نهم. دعا در اشتیاق به درخواست آمرزش از خدا
۵۹	دعای دهم. دعا در پناه بردن به خدای متعال
۶۱	دعای یازدهم. دعا در طلب عافیت
۶۳	دعای دوازدهم. دعا در اعتراف به گناه و طلب توبه از خدا
۶۹	دعای سیزدهم. دعا در حاجت خواستن
۷۴	دعای چهاردهم. دعا هنگام رسیدن ستمی از ستمکاران
۷۸	دعای پانزدهم. دعا هنگام بیماری یا اندوه و بلا
۸۱	دعای شانزدهم. دعا برای آمرزش گناهان و طلب عفو از نقصان‌ها
۹۰	دعای هفدهم. دعا هنگام نام بردن از شیطان و پناه بردن به خدا
۹۵	دعای هجدهم. دعا هنگام دفع بلاها و برآورده شدن حاجت‌ها
۹۷	دعای نوزدهم. دعا در طلب باران
۱۰۰	دعای بیستم. دعا در خواهی نیک و کردار پسندیده

۱۱۳	دعای بیست و یکم. دعا هنگام اندوه از پیش آمد ناگوار
۱۱۹	دعای بیست و دوم. دعا هنگام سختی و دشواری کارها
۱۲۵	دعای بیست و سوم. دعا برای تندرستی و شکرگزاری
۱۲۹	دعای بیست و چهارم. دعا برای پدر و مادر
۱۳۵	دعای بیست و پنجم. دعا درباره‌ی فرزندان
۱۴۰	دعای بیست و ششم. دعا درباره‌ی همسایه‌ها و بستگان
۱۴۲	دعای بیست و هفتم. دعا برای مرزداران
۱۵۱	دعای بیست و هشتم. دعا برای پناه بردن به خدا
۱۵۳	دعای بیست و نهم. دعا هنگام تنگ شدن روزی
۱۵۵	دعای سی‌ام. دعا برای ادای دین
۱۵۷	دعای سی و یکم. دعا در یادآوری توبه و طلب آن از خدا
۱۶۷	دعای سی و دوم. دعا پس از نماز شب
۱۷۷	دعای سی و سوم. دعا هنگام استخاره
۱۷۹	دعای سی و چهارم. دعا هنگام پیش آمدن بلا
۱۸۱	دعای سی و پنجم. دعا در رضا به تقدیر الهی
۱۸۳	دعای سی و ششم. دعا هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای رعد
۱۸۶	دعای سی و هفتم. دعا در اعتراف به تقصیر از ادای شکر
۱۹۱	دعای سی و هشتم. دعا در عذرخواهی، هنگام کوتاهی در ادای حقوق بندگان
۱۹۳	دعای سی و نهم. دعا در طلب عفو و بخشش
۱۹۸	دعای چهلم. دعا هنگام شنیدن خبر مرگ کسی
۲۰۰	دعای چهل و یکم. دعا در طلب پرده پوشی از خطاها
۲۰۲	دعای چهل و دوم. دعا پس از ختم قرآن
۲۱۲	دعای چهل و سوم. دعا هنگام دیدن ماه نو
۲۱۵	دعای چهل و چهارم. دعا هنگام فرا رسیدن ماه نو
۲۲۳	دعای چهل و پنجم. دعا در وداع ماه مبارک رمضان
۲۳۹	دعای چهل و ششم. دعا پس از نماز عید فطر و جمعه
۲۴۵	دعای چهل و هفتم. دعا در روز عرفه
۲۷۶	دعای چهل و هشتم. دعا در روز عید قربان و روز جمعه

۲۸۶	دعای چهل و نهم. دعا در دفع حیلہی دشمنان و آزار آنان.
۲۹۲	دعای پنجاهم. دعا در ترس از خدا.
۲۹۵	دعای پنجاه و یکم. دعا در زاری و راز و نیاز.
۳۰۰	دعای پنجاه و دوم. دعا در مقام اصرار به خدای متعال.
۳۰۵	دعای پنجاه و سوم. دعا در حال زاری به درگاه خداوند عز و جل.
۳۰۸	دعای پنجاه و چهارم. دعا در طلب رفع اندوه.
۳۱۱	مناجاة خمس عشرة لمولانا علي بن الحسين عليه السلام .
۳۱۲	مناجات اول؛ مناجاة التائبين.
۳۱۶	مناجات دوم؛ مناجاة الشاكين.
۳۱۹	مناجات سوم؛ مناجاة الخائفين.
۳۲۲	مناجات چهارم؛ مناجاة الراجين.
۳۲۵	مناجات پنجم؛ مناجاة الراغبين.
۳۲۸	مناجات ششم؛ مناجاة الشاكين.
۳۳۱	مناجات هفتم؛ مناجاة المطيعين لله.
۳۳۳	مناجات هشتم؛ مناجاة المریدين.
۳۳۶	مناجات نهم؛ مناجاة المحبين.
۳۳۹	مناجات دهم؛ مناجاة المتوسلين.
۳۴۱	مناجات یازدهم؛ مناجاة المفتقرين.
۳۴۴	مناجات دوازدهم؛ مناجاة العارفين.
۳۴۷	مناجات سیزدهم؛ مناجاة الذاكرين.
۳۵۰	مناجات چهاردهم؛ مناجاة المعتمدين.
۳۵۳	مناجات پانزدهم؛ مناجاة الزاهدين.
۳۵۵	رساله‌ی حقوق امام سجاد.
۳۶۴	حَقُوقُ الْأَفْعَالِ.
۳۷۰	حَقُوقُ الْأَنْيَمَةِ.
۳۷۲	حَقُوقُ الرَّعِيَّةِ.
۳۷۶	حَقُّ الرَّجِمِ.
۴۰۰	امام چهارم شیعیان.

سند صحیفہی سجادیہ

حدیث کرد ما را سید بزرگوار، نجم الدین که لقبش بهاء الشرف ابوالحسن محمد بن حسن، پسر احمد، فرزند علی، پسر محمد، فرزند عمر، پسر یحیی علوی حسینی - که رحمت خدا بر او باد، گفت: خبر داد ما را شیخ سعید ابو عبد الله محمد، پسر احمد، فرزند شهریار، خزانه دار قبر مطهر آستان قدس مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در ماه ربیع الاول سال ۵۱۶ هجرت در حالی که صحیفه را بر او می خواندند و من می شنیدم

گفت: شنیدم آن را در حالی که قرائت می شد بر شیخ صدوق، ابو منصور محمد پسر محمد، فرزند احمد، پسر عبد العزیز عکبری معدل - که رحمت خدا بر او باد - از ابو المقضل محمد، پسر عبد الله، فرزند مطلب شیبانی. گفت: حدیث کرد مرا سید شریف ابو عبد الله جعفر، پسر محمد، فرزند جعفر، پسر حین فرزند جعفر، پسر حسن، فرزند حسن، پسر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: حدیث کرد ما را عبد الله پسر عمر بن خطاب زیت فروش در سال ۲۶۵، گفت: حدیث کرد دابی من، علی پسر نعمان اعلم، گفت: حدیث کرد مرا عمیر پسر متوکل تقفی بلخی از پدرش متوکل پسر هارون، گفت: که دیدم یحیی بن زید، فرزند علی بن حسین علیه السلام را، پس از کشته شدن پدرش که به قصد خروج علیه بنی امیه به خراسان عازم بود، بر او سلام کردم، از من پرسید: از کجا می آیی؟ گفتم: از سفر حج. آنگاه از من و از خویشان و عمو زادگانش در مدینه اند پرسید، و در خصوص حال امام جعفر صادق علیه السلام بسیار مبالغه کرد. پس از احوال همه، پاسخ دادم و اندوهشان را بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام بیان نمودم. یحیی گفت: عموی من محمد، پسر علی، امام باقر علیه السلام پدرم را از خروج علیه بنی امیه منع کرد و او را از عاقبت این خروج و بیرون شدن از مدینه را آگاه ساخت. آنگاه یحیی پرسید: آیا پسر عمویم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را ملاقات کردی؟ گفتم: آری. گفت: درباره ی قیام

من و عاقبت کارم از او چیزی شنیده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: چه شنیده‌ای؟ گفتم: فدایت شوم، دوست ندارم آنچه درباره‌ی قیام شما شنیده‌ام باز گویم. پس تبسمی کرد و فرمود: آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟ بگو آنچه شنیده‌ای. به او گفتم که امام فرمود: تو هم مانند پدرت زید به دست بنی امیه شهید می‌شوی. رنگ رخسارش دگرگون شد و این آیه را تلاوت نمود: « یمحو الله ما یشاء و یتیث و عنده ام الكتاب. » آنگاه فرمود: ای متوکل، خدای متعال امر خلافت و حفاظت دین اسلام را به ما عطا کرده علم و شمشیر، هر دو را به ما، و پسر عموهای ما (امام باقر و امام صادق) تنها به علم اختصاص یافته‌اند. آنگاه گفتم: فدای تو شوم، مشاهده من از مردم این است که آنها به پیشوایی پسر عمویت حضرت صادق مایل‌ترند از شما و از پدرت یحیی. گفت: سبب این امر آنکه عمویم محمد بن علی و فرزانش جعفر مردم را به زندگانی دعوت می‌کنند و ما مردم را به مرگ دعوت می‌کنیم. عرض کردم: ای فرزند پیغمبر خدا، آیا آنها عالم‌تر به حقایق امرند یا شما. مدتی به حالت تفکر سر به زیر افکند، آنگاه سر بلند کرد و فرمود: همه‌ی ما داناییم جز آنکه آنها هرچه ما می‌دانیم، می‌دانند ولی هرچه آنها می‌دانند، ما نمی‌دانیم. آنگاه یحیی گفت: چیزی از گفته‌های پسر عمویم نوشته‌ای؟ گفتم: آری. گفت: برایم بازگو کن. پس یادداشت‌هایی که نوشته بودم بیرون آوردم، از جمله برای او دعایی که به املای امام صادق با خود داشتم به او عرضه نمودم و گفتم: آن بزرگوار این دعا را از پدر بزرگوارش حضرت باقر بر من حدیث کرد و فرمود: این دعا از پدرم امام سجاده علی بن الحسین علیه السلام از دعای صحیفه‌ی کامله است.

یحیی آن دعا را گرفت و از اول تا آخر آن مطالعه کرد. و گفت: اجازه می‌دهی که از این دعا نسخه بردارم؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا! این نعمت از ناحیه‌ی شما خاندان رسالت به ما رسیده است، آیا نیازمند اجازه است؟ آنگاه فرمود: اکنون کتاب کامل و صحیفه‌ای تمام برای تو بیرون آورم که پدر بزرگوارم از پدرش فرا گرفته و به من سپرده و سفارش کرده آن را حفظ نمایم و به غیر اهلش نسپارم. عمیر گوید: پدرم متوکل گفت: برخوایم و سر مبارکش را بوسیدم و عرض کردم: به خدا قسم ای فرزند رسول خدا!

دین و ایمانم به خدا، با محبت و اطاعت شما خاندان رسالت به هم گره خورده است و امیدوارم که خدا به خاطر دوستی شما مرا در دنیا و آخرت سعادتمند گرداند. آنگاه یحیی آن کاغذ را به غلامی که همراه او بود، داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به من عرضه دار، شاید آن را حفظ کنم و من همین دعا را از جعفر بن محمد حفظه الله درخواست نمودم و او به من نمی داد.

متوکل گوید: من از دادن دعا به او پشیمان شدم و نمی دانستم چه کنم، هر چند حضرت جعفر بن محمد نفرموده بود که دعا را به هیچ کس ندهم. آنگاه یحیی صندوقهای را که قفل و مهر و موم بود، بیرون آورد و به مهرش نگاه کرد و بوسید و گریه کرد. سپس مهر را شکست و قفل را گشود و صحیفه را بیرون آورد و باز کرد و بر دیده نهاد و بر صورت مبارکش کشید. و گفت: به خدا سوگند ای متوکل، اگر سخنی از پسر عمویم راجع به شهادت و به دار زدن من نمی گفتی، این صحیفه را به تو نمی دادم و از تسلیم آن خود داری می کردم. ولی می دانم که فرموده‌ی او درست و حق است، او این علوم را از پدران بزرگوارش اخذ نموده و به زودی انجام خواهد گرفت، و ترسیدم که پس از شهادتم این علم به دست بنی امیه افتد و از مردم مخفی کنند و در گنجینه‌های خود برای خویش نگه دارند. پس آن را بگیر و مرا از اندیشه‌ی آن آسوده ساز و منتظر بپاش تا قضای الهی درباره‌ی من با بنی امیه به انجام رسد و این صحیفه نزد تو امانت باشد تا آن را به پسر عموهایم، محمد و ابراهیم، فرزندان عبد الله بن حسن بن امیر المؤمنین برسانی که آنها در جهاد با بنی امیه، پس از من قیام خواهند نمود.

متوکل گوید: من آن صحیفه را از یحیی گرفتم و پس از کشته شدن یحیی به مدینه رفتم و خدمت ابا عبدالله رسیدم و حکایت یحیی را بازگو کردم. حضرت گریست و اندوهش افزون گشت. و گفت: خدا بر پسر عمویم رحمت کند و او را به پدران و اجدادش ملحق گرداند، به خدا سوگند ای متوکل! منع او از دعا سببی نداشت جز آنکه او نیز بر صحیفه‌ی پدرش می ترسید، اکنون صحیفه‌ی یحیی کجاست؟ جواب دادم: این است. امام آن را گشود و فرمود: به خدا سوگند! خط عمویم زید و دعای جدم علی بن

الحسین است. آن‌گاه به فرزند خویش فرمود: ای اسماعیل برخیز و بیاور آن کتب دعا‌یی که سفارش به حفظ و نگهبانی آن نمودم. اسماعیل برخاست صحیفه‌ای که همانند صحیفه یحیی بن زید بود به من داد. امام صحیفه را گرفت و بوسید و بر دیدگان خویش نهاد و فرمود: این صحیفه، خط پدرم - امام باقر - و املا و انشای جد بزرگوارم - امام سجاد - است در حضور من. گفتم: ای فرزند رسول خدا! اگر دستور دهی، این صحیفه را با صحیفه‌ی زید و یحیی مقابله کنم؟ حضرت اجازه داد و فرمود: من تو را شایسته دیدم. آن‌گاه با دقت، به آن نگریستم، آن دو صحیفه را به کلی مطابق هم یافتم و حتی یک حرف آن با دیگری اختلاف نداشت. سپس از امام اجازه طلبیدم که صحیفه‌ی یحیی را طبق سفارشش به فرزندان عبد الله بن حسن بازگردانم. امام فرمود: ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها. آری صحیفه را به آن دو برسان. و چون خواستم به دیدار آنها روم. امام فرمود: همین جا بمان. سپس فردی را فرستاد تا محمد و ابراهیم به حضور امام آیند. آنها حاضر شدند. امام فرمود: این صحیفه میراث پسر عم شما یحیی است که از پدرش زید به ارث رسیده و به جای برادرانش شما را حافظ این صحیفه نهاده و من نیز در حفظ آن با شما شرطی دارم. آنها گفتند: رحمک الله! خدا رحمتش را به تو عطا فرماید. امر کن که فرموده‌ی شما پذیرفته است.

امام فرمود: این صحیفه را از شهر مدینه بیرون مبرید. گفتند برای چه؟ حضرت جواب داد: پسر عموی شما می‌ترسید که این صحیفه به دست بنی امیه افتد، و من نیز از این جهت بر شما خوف دارم. عرض کردند: هنگامی که یحیی به شهادتش یقین کرد از آن ترسید. امام صادق (علیه السلام) فرمود: شما هم ایمن نباشید؛ به خدا سوگند! که می‌دانم شما نیز مانند او قیام و کشته خواهید شد. آنها برخواستند و در حالی که لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم، می‌گفتند بیرون رفتند، متوکل گوید: حضرت ابا عبد الله به من فرمود: ای متوکل! آیا یحیی به تو گفت که عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی دعوت کردند و ما آنها را به مرگ فرا می‌خوانیم؟ عرض کردم: آری! خدا امور شما را اصلاح کند؛ پسر عمویت یحیی به من چنین گفت. سپس حضرت فرمود: خدا

یحیی را رحمت کند. حدیث کرد مرا پدر بزرگوaram از پدرش از جدش حضرت امیر مؤمنان که روزی پیامبر ﷺ را در بالای منبر خواب مختصری در ربود. در خواب دید که گروهی از مردم همانند میمون بر منبر او بالا رفته و پایین می جهند و مردم را به غیر دین خدا و به سوی کفر و شرک دعوت می کنند. پس رسول خدا ﷺ بیدار شد و نشست نشست و آثار حزن و اندوه بر چهره‌ی مبارکش هویدا گشت. در آن حال جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: و ما جعلناک الرؤیا الّتی اریناک الا فتنة للناس و الشجرة الملعونه فی القرآن و نفوهم فما یزیدهم الا طغیاناً کبیراً؛ حضرت دانست که مراد از شجره‌ی ملعونه بنی امیه است. فرمود: ای جبرئیل! آیا این مسئله در دوران و زمان من اتفاق خواهد افتاد؟ جبرئیل گفت: نه ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرت تو تا ده سال به گردش می آید، و بعد از گردش و حرکت می افتد و تا ابتدای سال سی و پنجم هجرت. و باز تا پنج سال بعد از آن به حرکت می افتد، آنگاه این آسیا به ظلمات و گمراهی خواهد چرخید، و بر این قطب پایدار خواهد ماند و پس از آن سلطنت فرعون‌ها خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال درباره سلطنت آنها وحی نازل کرد: انا انزلناه فی لیه القدر و ما اداراک ما لیلہ القدر لیلہ القدر خیر من الف شهر؛ به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم. و چه می دانی که شب قدر چیست. شب قدر بهتر از هزار ماه است. هزار ماه حکومت بنی امیه خواهد بود که شب قدر حکومت آنان نخواهد بود. آنگاه فرمود: خدای عز و جل پیغمبرش ﷺ را آگاه کرد که بنی امیه پادشاهی این امت را به دست می گیرند و پادشاهی شان برابر با این مدت خواهد بود و چنانچه کوه‌های عالم با آنان مقاومت کنند، آنها بر کوهها غلبه خواهند کرد تا وقتی که خداوند متعال به زوال حکومت آنان فرمان دهد. و در این هزار ماه، دشمنی با اهل بیت پیامبر و بغض و کینه‌ی آل علی را در دل می پروراندند. خداوند به پیامبرش خبر داد: اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانشان در دوران حکومت بنی امیه چه چیزها خواهند دید. دوبار امام فرمود: خدا درباره‌ی بنی امیه وحی نازل کرد: آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت یعنی دوزخ افکندند که در آن سرنگون شوند و بد قرار گاهی

است. و نعمت خدا وجود پیامبر و اهل بیت پاک اویند. محبت و دوستی با آنان ایمان است و مؤمن به آنان، سزوار بهشت، و کینه‌ی آنها کفر و نفاق و شایسته‌ی آتش دوزخ. این مطلب رازی است که رسول خدا ﷺ به امیر المؤمنین و اهلبیتش  بازگو کرده. متوکل گوید: آنگاه امام صادق  فرمود: هیچ یک از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما، برای رفع ستم یا به پاداشتن حق قیام نخواهد کرد مگر آنکه طوفان و بلای او را از پای در آورد و اندوه ما و شیعیان را بیشتر گرداند. آنگاه متوکل فرزند هارون گفت: سپس کرد امام صادق  سخنان صحیفه‌ی جلش را بر من املا کرد و آن دعاها هفتاد و پنج باب بود، یازده بابش از خاطر من رفت و شصت و چند باب از آن را حفظ نمودم.

www.ketab.ir

ما را ابوالمضل حدیث کرد، گفت مرا محمد بن حسن بن روزبه ابوبکر کاتب ساکن رجب در خانه خود، حدیث کرد. گفت: مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری حدیث کرد. گفت: مرا پدرم از عمیر بن متوکل بلخی از پدرش متوکل بن هارون حدیث کرد. گفت یحیی بن زید بن علی علیه السلام را ملاقات نمودم..... و همه این حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت نموده بود نقل کرد. و در روایت مطهری ابواب صحیفه به این طریق ذکر شده است:

- ۱۷ دُعای یکم التَّحْمِيدُ وَ الثَّنَاءُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
- ۲۵ دُعای دوم الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ
- ۲۹ دُعای سوم الصَّلَاةُ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ
- ۳۵ دُعای چهارم الصَّلَاةُ عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسْلِ
- ۴۰ دُعای پنجم دُعَاةُ لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لَائِتِهِ
- ۴۴ دُعای ششم دُعَاةُ عِنْدَ الصُّبْحِ وَ الْمَسَاءِ
- ۵۱ دُعای هفتم دُعَاةُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَ عِنْدَ الْكَرْبِ
- ۵۴ دُعای هشتم دُعَاةُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَاوِرِ وَ سَمِيِّ الْأَخْلَاقِ وَ مَذَامِ الْأَفْعَالِ
- ۵۷ دُعای نهم دُعَاةُ فِي الْإِسْتِثْقَاءِ إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ
- ۵۹ دُعای دهم دُعَاةُ فِي اللَّجَا إِلَى اللَّهِ
- ۶۱ دُعای یازدهم دُعَاةُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ
- ۶۳ دُعای دوازدهم دُعَاةُ فِي الْإِعْتِرَافِ وَ طَلَبِ التَّوْبَةِ
- ۶۹ دُعای سیزدهم دُعَاةُ فِي طَلَبِ الْخَوَائِجِ
- ۷۴ دُعای چهاردهم دُعَاةُ إِذَا اعْتَدِيَ عَلَيْهِ
- ۷۸ دُعای پانزدهم دُعَاةُ إِذَا مَرَضَ
- ۸۱ دُعای شانزدهم دُعَاةُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ دُؤْبِهِ
- ۹۰ دُعای هفدهم دُعَاةُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ

- دعای ہجدہم دُعَاؤُهُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ ۹۵
- دعای نوزدہم دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ ۹۷
- دعای بیستم دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ۱۰۰
- دعای بیست و یکم دُعَاؤُهُ إِذَا حَزَنَتْهُ أَمْرٌ ۱۱۳
- دعای بیست و دوم دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَالْجَهْدِ ۱۱۹
- دعای بیست و سوم دُعَاؤُهُ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ ۱۲۵
- دعای بیست و چہارم دُعَاؤُهُ لِأَبَوْنِهِ ۱۲۹
- دعای بیست و پنجم دُعَاؤُهُ لَوْلَدِهِ ۱۳۵
- دعای بیست و ششم دُعَاؤُهُ لِجَبْرَانِهِ وَأَوْلِيَانِهِ ۱۴۰
- دعای بیست و ہفتم دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ ۱۴۲
- دعای بیست و ہشتم دُعَاؤُهُ مُشْتَرَعًا إِلَى اللَّهِ ۱۵۱
- دعای بیست و نہم دُعَاؤُهُ إِذَا قَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ ۱۵۳
- دعای سی ام دُعَاؤُهُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ ۱۵۵
- دعای سی و یکم دُعَاؤُهُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ ۱۵۷
- دعای سی و دوم دُعَاؤُهُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ ۱۶۷
- دعای سی و سوم دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ ۱۷۷
- دعای سی و چہارم دُعَاؤُهُ إِذَا ابْتُلِيَ بِقَضِيحَةٍ يَذَنْبُ ۱۷۹
- دعای سی و پنجم دُعَاؤُهُ فِي الرُّضَا ۱۸۱
- دعای سی و ششم دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّحَابِ وَالْبَرَقِ ۱۸۳
- دعای سی و ہفتم دُعَاؤُهُ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصِيرِ ۱۸۶
- دعای سی و ہشتم دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِذَارِ مِنْ تَبَغَاتِ الْعِيَادِ ۱۹۱
- دعای سی و نہم دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَقْرِ وَالرَّحْمَةِ ۱۹۳
- دعای چہلم دُعَاؤُهُ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ ۱۹۸
- دعای چہل و یکم دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السُّرْرِ وَالْوَفَايَةِ ۲۰۰

۲۰۲	دُعَاةُ چهل و دوم	دُعَاةُ عِنْدَ خَتَمِ الْقُرْآنِ
۲۱۲	دُعَاةُ چهل و سوم	دُعَاةُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَالِكِ
۲۱۵	دُعَاةُ چهل و چهارم	دُعَاةُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ
۲۲۳	دُعَاةُ چهل و پنجم	دُعَاةُ فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ
۲۳۹	دُعَاةُ چهل و ششم	دُعَاةُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ
۲۴۵	دُعَاةُ چهل و هفتم	دُعَاةُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ
۲۷۶	دُعَاةُ چهل و هشتم	دُعَاةُ يَوْمِ الْأَضْحَى وَيَوْمِ الْجُمُعَةِ
۲۸۶	دُعَاةُ چهل و نهم	دُعَاةُ فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ
۲۹۲	دُعَاةُ پنجاهم	دُعَاةُ فِي الرَّهْبَةِ
۲۹۵	دُعَاةُ پنجاه و یکم	دُعَاةُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ
۳۰۰	دُعَاةُ پنجاه و دوم	دُعَاةُ فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ
۳۰۵	دُعَاةُ پنجاه و سوم	دُعَاةُ فِي التَّدَلُّلِ لِلَّهِ
۳۰۸	دُعَاةُ پنجاه و چهارم	دُعَاةُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ

بقیہی باب ہا بہ بیان ابی عبداللہ حسنی است۔ مارا ابو عبداللہ جعفر بن محمد حسنی حدیث کرد۔ گفت: مارا عبداللہ بن عمر بن خطاب زیت فروش حدیث کرد، گفت: مرا دابی من علی بن نعمان اعلم حدیث کرد، گفت: مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی از پدرش متوکل بن ہارون حدیث کرد، گفت: املا کرد بن من مولایم ابو عبد اللہ جعفر بن محمد صادق علیہ السلام، فرمود: املا کرد جد من علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی علیہ السلام در حضور من این دعاہارا: